

فهرست مطالب

یادداشت مترجم ۱

قمارباز ۳۳

تفسیرها

آنها از خانهٔ قانون‌زده آمده‌اند. ورونیکا شاپاوالاوا ۲۸۳

فرم و فتیشیزم: اختلال اروتیک و اقتصادی در ادبیات. اندرو فینبرگ ... ۲۹۴

قمارباز: مطالعه‌ای در روانشناسی قومی. جوزف فرانک ۳۲۸

قمارباز و مانون لسکو. سرگی شولز ۳۶۶

اعتراف ضدقهرمان در ساختار هنری قمارباز. ناتالیا ژیوالوپاوا ۳۷۸

قمارباز؛ سودای اروپا. والنتینا گابدولینا ۳۹۰

دنیای دگرگونی: تزلزل فراگیر در قمارباز. جولین کانلی ۴۱۳

مرض قمار. فرناندو ماشادو دیاس ۴۳۴

قمار و شور: بی‌بی پیک پوشکین و قمارباز. گری رُزنشیلد ۴۴۸

فهرست ترجمهٔ قمارباز به برخی زبانهای مهم ۴۹۹

طرح جلد مشهورترین ترجمه‌ها ۵۰۷

یک

بالاخره بعد از دو هفته مرخصی برگشتم. خانواده‌ای که برایشان کار می‌کنم، سه‌روزی می‌شود که به رولین بورگ آمده‌اند. خدا می‌داند که چرا فکر می‌کردم لابد دارند انتظارم را می‌کشند؛ اما در اشتباه بودم. ژنرال، درعین‌بی‌اعتنایی، نگاهی به سرتاپایم انداخت، چندکلمه‌ای از سر بنده‌نوازی با من حرف زد و بعد حواله‌ام داد به خواهرش. مشخص بود از جایی پول جور کرده‌اند. به‌نظرم رسید، ژنرال قدری در حضورم معذب است و حتی شرم دارد نگاهم کند. ماریا فیلیپاونا - خواهر ژنرال - حسابی سرش شلوغ بود و با من سرسری حرف زد؛ اما پول را برداشت و تا کلمه آخر گزارشم را هم شنید. برای صرف ناهار منتظر مزیتسِف، یک فرانسوی و یک انگلیسی بودند. برطبق یک رسم مسکویی تا پولی می‌رسید، بساط مهمانی برقرار بود. پالینا آکساندراونا تا چشمش به من افتاد، پرسید:

— کجا گم‌و‌گور شده‌بودی؟

اما منتظر جوابم نماند و گذاشت و رفت. معلوم است که مخصوصاً این کار را کرد. باید با هم حرف بزنیم؛ خیلی چیزهاست که باید روشن شود.

من را در اتاقکی - طبقه چهارم هتل - جادادند. همه می‌دانند که من هم به‌نوعی در رکاب ژنرال‌م. آن‌طور که پیداست، همه چیز